خراسان
WWW.KHORASANONLIN.IR
• شنبه، ۶ اردیبهشت ۱۴۰۴
• شماره ۲۱۷۵۲
• ۲۷ شوال ۱۴۴۶
• ۲۶ آوریل ۲۰۲۵

جای خالی دغدغه‌های جهانی در شعر امروز

افشین علا، شاعر برجسته کشورمان در گفت‌وگو با خراسان از لزوم توجه شاعران به رویدادهای اجتماعی، سیاسی ایران و جهان و گریز از نگاه تک بُعدی در شعر می‌گوید

حسن عارفی مهر
calture@khorasannews.com

افشین علا از شاعران برجسته‌ای است که با سرودن شعرهایی روان و شنیدنی در حوزه کودک، نوجوان و بزرگ سال، خاطراتی ماندگار در ذهن چندین نسل رقم‌زده است. یکی از ویژگی‌های برجسته آثار او، تنوع در مضامین و فاصله گرفتن از نگاه تک‌بعدی به شعر است. این شاعر دغدغه‌مند با آثاری که به مسائل روز ایران و جهان می‌پردازند، نمونه قابل‌تأملی برای شاعران هم‌عصر خود در این حوزه به شمار می‌آید. او چهارشنبه هفته گذشته، به مناسبت شهادت امام صادق (ع)، مهمان جلسه شعر آیینی «انجمن ادبی شکوه خراسان» بود. در حاشیه این جلسه فرصتی فراهم شد تا با این شاعر نام‌آشنا درباره ضرورت به‌روز بودن شاعران و همچنین لزوم توجه شاعران به رویدادهای روز جامعه و جهان به گفت‌وگو بنشینیم.

می‌گویند شاعر باید فرزند زمانه خودش باشد و نوشتن از عشق تنها رسالت شعر نیست. لطفاً در این‌باره مختصری توضیح دهید

من هم با این سخن موافقم زیرا پیرامون ما سرشار از وقایع فراوان و فشرده است که هر کدام از آن‌ها می‌تواند در سرنوشت تاریخ بشر نقش‌آفرین باشد. آیا یک شاعر می‌تواند از کنار آن‌ها به سادگی عبور کند و شعر خودش را صرفاً به تغزل و عاشقانه اختصاص بدهد و از اجتماع غافل باشد؟ من فکر می‌کنم بعد از مشروطه و بعد از نیما این امکان پیش آمد و در ادبیات ما فقط تغییرات ظاهری در قالب شعر اتفاق نیفتاد بلکه در فرهنگ و هنر و ادب ما، یک ظرفیت تازه ایجاد شد برای اینکه شاعران یک مقدار جهانی بیندیشند و در قبال وقایع روز بی‌تفاوت نباشند. شما اگر شعر مشروطه را بخوانید در ورای این شعر وقایع مجلس شورای ملی آن زمان یا درگیری‌هایی که بین جناح‌های را مشاهده می‌کنید، این موضوعات روز در آن زمان دستمایه شعر شاعران بود و منحصر به آن مقطع هم نبود. امروز ما می‌توانیم از آن بهره ببریم. بعضی‌ها فکر می‌کنند اگر به رویدادهایی که امروز اتفاق می‌افتند و گذرا هستند، بپردازیم در این زمان منحصر می‌شویم و شعر ما دچار نوعی تاریخ مصرف می‌شود اما اصلاً این طور نیست. اگر شعری که سیاسی، اعتقادی، اجتماعی، اعتراضی و ارزشی است، بر مبنای معیارهای درست سروده شود و به موازینی که یک شعر غنی باید از آن برخوردار باشد و فادار بماند، در همه عصرها می‌توان از آن بهره برد. پس هیچ واقعه‌ای فقط به امروز منحصر نیست. کما این که ما در آیین خودمان هم عاشورا را داریم که هر سال برای ما تداعی کننده کشف‌های جدید پیرامون حضرت امام حسین (ع) است و بقیه وقایع نیز می‌توانند این چنین باشند.

اگر شعری که سیاسی، اعتقادی، اجتماعی، اعتراضی و ارزشی است، بر مبنای معیارهای درست سروده شود و به موازینی که یک شعر غنی باید از آن برخوردار باشد وفادار بماند، در همه عصرها می‌توان از آن بهره برد

در دنیای امروز ما با توجه به نفوذ قدرت‌های جهانی و تأثیرشان بر جوامع مختلف، شعر چگونه می‌تواند به رسالت خودش عمل کند؟

چه مشرق زمین به معنای عامش و چه کشور ما ایران به معنای خاص کلمه، یکی از سرمایه اصلی‌شان ادبیات است. ادبیات بسیار ریشه‌داری که اتفاقاً جهان غرب را هم در نوردیده و در آن‌ها هم اثر گذاشته و حالا ما خودمان از این غافل هستیم. ما باید همان‌طور که بزرگانی مثل اقبال لاهوری به ما گفتند و از ما خواستند با بازگشت به فرهنگ خودی ضمن اشراف بر واقعیت‌های روز، هم دوستان، رقبا و دشمن‌ها را بشناسیم و هم کسانی که در جهان غرب بر سلطه هستند یعنی هم سلطه نظامی و هم سلطه فرهنگی هم سلطه رسانه‌ای دارند. ما شاعران باید واقعیت‌ها و خلأها را بشناسیم با این شناخت توأمان می‌توانیم شعرهایی برای آگاه‌سازی مردم بگوییم که این خود یکی از رسالت‌های بزرگ شعر است. ثروت ما، ادبیات ماست در مقابل هجمه دشمنان از ثروت خودمان خرج کنیم، چون هجمه آن‌ها یک بخشش نظامی است و بیشتر بخش‌هایش فرهنگی است. برای این که یک لشکر در مقابل یک لشکر دیگر تاب بیاورد و پیروز شود احتیاج به سازوبرگ دارد و چون جنس سازوبرگ آن‌ها فرهنگی است و سازوبرگ ما هم فرهنگی است، فرهنگ ما آن‌قدر غنی است که بتواند آن‌ها را تار و مار کند. البته اگر درست انتخاب شود.

لطفاً درباره این که شاعران چه وظیفه‌ای در قبال پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی امروز دارند توضیح دهید؟

من نمی‌توانم به دیگران حکم کنم که چه شعری بگویند و چه شعری نگویند اما خودم بر این باورم که من شاعری هستم که نسبت به وقایع سیاسی و اجتماعی پیرامون خودم حساس هستم، خیلی‌ها اعتقاد دارند که نباید بود اما من هستم. البته باید به این نکته اشاره کنم که هر شاعری در انتخاب مسیر شاعری‌اش مختار است. این نظر من است و نظرم را به دیگران تحمیل نمی‌کنم و امیدوارم دیگران هم نظر خودشان را بر ما متحمل نکنند.

بر بال های محزون درنا

نگاهی به کتاب «درنا در بزرگراه» که هفتمین مجموعه شعر لیلا کردبچه است

حیدر کاسبی
calture@khorasannews.com

«تو را دوست داشتم / و هیچ چیزی غمگینم نمی‌کرد / حتی برفی که آن همه راه آمده بود / قرار آن روز مان را کنسل کند / و صدای خنده‌های کودکان دبستان را / به کوچه ریخته بود»

در دنیای نسبی ادبیات، شاید بالاخره کسی پیدا شود و یک تعریف واحد از شعر ارائه دهد.

«گره‌خوردگی عاطفه و احساس در زبانی آهنگین» شاید نزدیک‌ترین تعریف به شعر همین باشد؛ اما کیست که نداند تعریف‌ها در ادبیات قراردادی‌اند و مدام عوض می‌شوند.

تعریف‌ها را منتقدان و نظریه‌پردازان ارائه می‌دهند، آن‌ها هستند که از پشت عینک سخت‌گیر و نکته‌سنجشان شعر شاعران را زیر ذره‌بین می‌گذارند و به اصطلاح مورا از ماست می‌کشند.

کسی که به معنای واقعی کلمه شاعر است با هر کتاب که منتشر می‌کند بی‌آنکه چیزی را جار بزند تعریف‌اش از شعر را ارائه داده است.

در شعر بالا که برشی از یک شعر در کتاب «درنا در بزرگراه» است، لیلا کردبچه بی‌آنکه تلاش کند تصویری فراواقعی و دست‌نیافتنی برای مخاطب بسازد، شعر نوشته است.

اصلاً در آن لحظه از سرایش مخاطبی برای شاعر به‌غیر از معشوق وجود نداشته و دقیقاً به همین دلیل ساده، همه چیز در بستری از سادگی اتفاق افتاده است. شاعر در لحظه سرایش، چنان در خلسه‌ای طولانی فرورفته که حتی برف هم نمی‌تواند راه را بر شادی‌اش ببندد. در جهان او هیچ چیز غیر شاعرانه‌ای وجود ندارد. سرمای زمختِ زمستان با برف سنگینی که راه را بسته، شعر است، همان‌طور که خنده کودکان دبستان شعر است.

هیچ کلمه غیر شاعرانه‌ای وجود ندارد. حتی کلمه‌ای با شکل و شمایل نه چندان چشم‌نوازی مثل «کنسل» در این شعر، خوش می‌نشیند و شاعر عامدانه آن را به کار می‌گیرد تا نشان دهد اهل دودوتا چهارتا نیست و در حالی که به راحتی می‌تواند معادل فارسی آن را بیاورد اما این کار را نمی‌کند تا هم ملاحت شعرش را حفظ کرده باشد و هم خودش را از قید و بند چهارچوب‌ها رها کرده باشد.

تونا گهان بودی

در کتاب «درنا در بزرگراه» که هفتمین کتاب لیلا کردبچه به شمار می‌آید و زمستان ۱۴۰۳ توسط نشر «واج» منتشر شده است، شاعر همچنان عاشقانه سرایی‌هایش را ادامه می‌دهد. البته او خیلی پیشتر از این‌ها دریافته در جهانی که آواز پرنده را با سنگ پاسخ می‌دهند شاید تنها عشق بتواند التیامی بر زخم‌های بال او باشد:

«به تو فکر می‌کنم / و اینکه از میان هزاران طوفان سهمگین / سالم به ساحل رسیده‌ام / به تو فکر می‌کنم / و اینکه از میان هزاران جنگ خونین / به سلامت گذشته‌ام / به تو فکر می‌کنم / و اینکه هر شب از ترافیک سنگین تهران / زنده به خانه برگشته‌ام...»

این «درنا» نیست که به اشتباه از «بزرگراه» سر درآورده باشد، «بزرگراه» است که انگار به یک باره در مسیر «درنا» ظاهر می‌شود، همان بزرگراه که تا دیروز یحتمل گندمزاری بوده است با آواز رنگارنگ پرندگان و این پرنده است که تقدیر تلخ را تاب آورده و راهی به لانه‌اش می‌جوید:

«مثل درنایی بی‌تاب / که در ترافیک همت گیر کرده باشد / به تو فکر می‌کنم / و با سر به شیشه پنجره می‌کوبم / و در سینه‌ام / طفلک معصومی / بال‌هایش را برای در آغوش کشیدن امتحان می‌کند...»

شاعر در کتاب «درنا در بزرگراه» آن‌قدر به پرندگی‌اش نزدیک است که نمی‌خواهد موجود دیگری باشد، حتی اگر آدم‌ها نشانه‌اش گرفته باشند، حتی اگر در مسیر لانه‌اش با چراغ‌های ماشینی تصادف کند.

«درنا»ی بزرگراه این بار نماد نیست، خود پرنده است که شاید در زندگی قبلی‌اش زن بوده است:

«خوبم / بر بال‌های محزون درنای در ترافیک مانده / بر خیابان محزون و بلندی که به خانه نمی‌رسد...»

کسی که به معنای واقعی کلمه شاعر است با هر کتاب که منتشر می‌کند بی‌آنکه چیزی را جار بزند تعریف اش از شعر را ارائه داده است

ناگهان شعر

حافظ شیرازی

گفتم ای سلطانِ خوبان رحم کن بر این غریب
گفت در دنبالِ دل، رَه گُم کُنَد مسکین غریب
گفتمش مَگذر زمانی، گفت معذورم بدار
خانه پروردی چه تاب آرد غم چندین غریب
خفته بر سنجاب شاهی نازنینی را چه غم؟
گر زخار و خاره سازد بستر و بالین غریب
ای که در زنجیرِ زلفت جایِ چندین آشناست
خوش فتاد آن خالِ مشکین بر رخِ رنگین غریب
می‌نماید عکسِ مِی، در رنگِ رویِ مَه وَشَت
همچو برگِ ارغوان بر صفحه نسرین، غریب
بس غریب افتاده است آن مور خَط، گِرد رُخَت
گر چه نَبوَد در نگارستان، خطِ مشکین غریب
گفتم ای شام غریبان طُرّه شبرنگِ تو
در سحرگاهان حذر کن چون بنالد این غریب
گفت حافظ آشنایان در مقامِ حیرتند
دور نَبوَد گر نشیند خسته و مسکین غریب

انتشار فراخوان جشنواره چکامه های حکیم توس

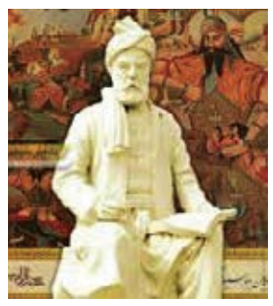

انجمن‌های علمی گیلان‌پژوهی و زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان با همکاری بنیاد نخبگان این استان نخستین جشنواره «چَکامه و نِگاره، نکوداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی» را به مناسبت هفته بزرگداشت پیر شهنامه گوی توس برگزار می‌کنند. این جشنواره که ویژه دانشجویان طراحی شده، در دو بخش ادبی و هنری به موضوعاتی مانند شخصیت‌های شاهنامه، هویت ملی و زبان فارسی اختصاص دارد. بخش ادبی شامل داستانک و شعر، و بخش هنری شامل نقاشی، تصویرسازی، اسکیس و عکاسی است. مراسم پایانی این جشنواره روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ در تالار حکمت دانشگاه گیلان برگزار خواهد شد. این رویداد با اجرای موسیقی، نقالی و شاهنامه‌خوانی همراه خواهد بود و در نهایت برگزیدگان جشنواره معرفی می‌شوند. علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را تا تاریخ ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ به نشانی ایمیل ChakamehVaNegareh@gmail.com ارسال کنند. برای ثبت‌نام و اطلاعات بیشتر نیز می‌توان با شماره ۰۹۲۰۱۳۱۱۷۳۱ تماس گرفت.

نهمین جشنواره «طنز پهلو» در گام آخر

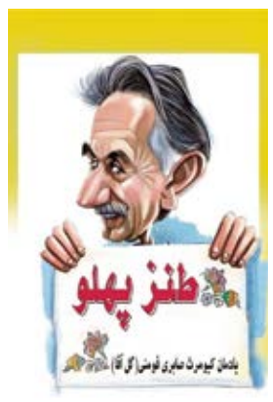

نهمین جشنواره ملی طنز و رسانه «طنز پهلو»، یادواره استاد کیومرث صابری فومنی (گل‌آقا)، روز پنج شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ در فومن برگزار می‌شود. این جشنواره با دریافت ۱۲۰۹ اثر از ۲۷ استان کشور در سه بخش شعر طنز، نثر و داستان کوتاه، و کاریکاتور، وارد مرحله نهایی داوری شده است. برگزیدگان جشنواره با داوری رضا رفیع، طنزپرداز برجسته، معرفی خواهند شد و تندیس جشنواره، لوح سپاس و جوایز نقدی دریافت می‌کنند. آیین اختتامیه این رویداد فرهنگی ساعت ۱۵ در سالن همایش‌های اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی فومن، با حضور مدیران کشوری و استانی و هنرمندان و اجرای برنامه‌های متنوع هنری برگزار خواهد شد. این جشنواره تاکنون هشت دوره موفق را پشت سر گذاشته است.

برگ سبز و کارت فونیکس مدل ۱۴۰۳ به ش پلاک ایران ۱۲-۴۲۴ی۹۹ بنام علیرضا شهریاری به ش موتور MVMF4J16AHR۰۳۲۷۷۰ به ش شاسی NATHBAWTXR1۰۲۱۶۶۶ مفقود و فاقد اعتبار است

سند کمپانی و برگ سبز پژو ۲۰۶ مدل ۸۴ به ش پلاک ایران ۱۲-۵۸۹ب۵۶ به ش موتور ۱۳۸۰۲۲۹۴ به ش شاسی ۱۰۴F۵X۲۳۹۷۷۷۶ بنام ربابه تکاوندی مفقود و فاقد اعتبار است

سند کمپانی وبرگ سبز خودروی هاچ بک مدل ۱۳۹۶ به ش پلاک ۸۲م ۶۹۱ ایران ۱۲ وش موتور m۱۵/۸۳۸۵۲۷۵ وشاسی ۸۲۱۱۰۰h۱۰۷۸۳۱۶ به نام احمد آرمان آرادبه ش ملی ۰۹۴۶۴۶۳۸۸۷ مفقود واز درجه اعتبار ساقط میباشد

پلاک موتورسیکلت هیلتون مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ۷۷۵-۱۳۵۳۱ به شماره موتور ۰۱۲۵۸۲۸۷۰۲۰۰۹ و شماره بدنه N۲N***۱۲۵۸۹۵۱۲۰۷۹ بنام مریم رخشانی مفقود و فاقد اعتبار است

برگ سبز خودرو پژو ۴۰۵GLX-XU۷ مدل ۱۳۹۲ به شماره پلاک ۳۶ ایران ۶۲۳ب۱۹ به ش موتور ۱۲۴۶۰۴۰۷۱۳۲ و شماره شاسی ۳۱۶۸۲ NAAM۰۱CA۰ER۰ بنام وحید سعادتی مفقود و فاقد اعتبار است.

دانشنامه اینجانب شهریار نوروزپور فرزند محمود ب شماره ملی ۴۵۹۱۱۲۳۶۶۹ در مقطع پزشک عمومی رشته پزشکی صادره از دانشگاه علوم پزشکی مشهد مفقود گردیده و فاقد اعتبار است

برگ سبز و کارت فونیکس مدل ۱۴۰۳ به ش پلاک ایران ۱۲-۴۲۴ی۹۹ بنام علیرضا شهریاری به ش موتور MVMF4J16AHR۰۳۲۷۷۰ به ش شاسی NATHBAWTXR1۰۲۱۶۶۶ مفقود و فاقد اعتبار است

برگ سبز خودرو سایپا مدل ۱۳۹۹ به شماره پلاک ۳۶ ایران ۳۷۵و۱۳ به شماره موتور M۱۵/۹۱۶۳۷۱۶ و شماره شاسی NAS۸۳۱۱۰۰۱۵۷۲۲۸۸۸ بنام سمانه رجبی چاپشلو مفقود و فاقد اعتبار است.

برگ سبز سند کمپانی و کارت خودرو کامیون بروکوی مدل ۱۹۷۵ به شماره پلاک ۳۶ ایران ۵۴۴ع۵۸ به شماره موتور ۰۸۸۹۵۹ بنام آتنا خدادوست فخر آبادی مفقود و فاقد اعتبار است.

برگ سبز پیکان رنگ سفید مدل ۱۳۸۱ به ش انتظامی ۳۶ ایران ۶۴۶ ه ۴۹ به شماره موتور ۱۱۱۵۸۱۱۸۸۸۹ و شماره شاسی ۰۰۸۱۵۱۹۳۰۶ بنام منا جعفری مفقود گردیده وفاقد اعتبار می باشد

برگ سبز پراید صبا مدل ۱۳۸۶ سفید روغنی به شماره انتظامی ۳۲ ایران ۷۸۵ ق ۵۷ به شماره موتور ۲۱۱۴۵۶۶ و شماره شاسی ۱۴۱۲۲۸۶۱۹۹۵۴۳ بنام محمد حاجمند مفقود گردیده وفاقد اعتبار می باشد

برگ سبز موتور سیکلت به شماره پلاک ایران ۵۲۱۴۸/۷۷۷ و شماره شاسی R۶۵۰۲۰۵۸ و ۱۲۵ و شماره موتور M۰۱۳۸۹ به نام خانم آمنه پور محمدی مفقود و فاقد اعتبار است

سند کمپانی و برگ سبز موتورسیکلت ۱۲۵ CDI مدل ۹۴ به ش موتور ۲۸۹۶۳-۷۷۸ به ش تنه NDR***۱۲۵B۹۴۰۷۴۶۱ بنام اسماعیل نوروزی مفقود و فاقد اعتبار است

برگ سبز خودرو کویک آر سفید مشکی مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک: ۸۷ م ۸۱۱ ایران ۱۲ شماره شاسی: NAPX۲۱۲AAN۱۱۴۲۴۴۶ شماره موتور: M۱۵۹۷۴۷۱۰۲ به نام: رمضان روحانی مفقود و فاقد اعتبار است.

برگ سبز موتورسیکلت زیکما CS۱۷۰ مدل ۱۳۹۵ ش انتظامی ۸۵۷-۷۲۹۹۹ ش تنه N۱D***۱۶۹۹۵۰۱۲۲۲ ش موتور ۰۱۶۹N۱D۵۰۳۰۳۴ بنام علی زنگوئی مفقود شده و فاقد اعتبار است

پروانه مسئول فنی به شماره پروانه ۴۲۷۱۰۵-۴ و تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۷ شهر بجنورد دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی بنام میلاد محزون با کدملی ۰۶۷۰۴۰۲۳۹۷ مفقود و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو رنو تندر ۹۰ مدل ۱۳۹۱ به شماره پلاک ۴۲ ایران ۸۹۰۹۸۴ به ش موتور ۱۷۴۶۱۹ H۴RD۰۱۰۰۰۱۴۰۶۷ و شماره شاسی NAALSRALDCA۰۹۷۳۸۷ بنام سمانه عراقی مقدم مفقود و فاقد اعتبار است.

برگ سبز سند کمپانی و کارت خودرو ام‌وی‌ام X۲۲-AT مدل ۱۳۹۶ به ش پلاک ۴۲ ایران ۷۲۴ ج ۷۴ به ش موتور NATBABW۰H۱۰۰۶۱۰ و MVMDEG۱۵BAGH۰۰۷۰۷۳ بنام آتنا خدادوست فخر آبادی مفقود و فاقد اعتبار است.

کارت پژو پارس XU۷P مدل ۱۴۰۱ به ش پلاک ایران ۵۰-۹۲۴ب۶۹ به موتور ۱۲۵K۰۰۲۵۷۳۷ به ش شاسی NAANA۱۵E۵NH۴۵۴۴۸۴ بنام ابوالفضل ابراهیمی چچکلو مفقود و فاقد اعتبار است

کارت پژو ۲۰۷-TU۵ مدل ۱۴۰۱ به ش پلاک ایران ۹۱-۴۳۶۱۱ به ش موتور ۱۶۶B۰۰۸۲۵۰۰ به ش شاسی NAAR۰۲FEFNJ۴۶۲۰۰۶ بنام الهام جعفری آلنی مفقود و فاقد اعتبار است

برگ سبز پراید صبا مدل ۱۳۷۶ به شماره انتظامی ۳۲ ایران ۷۹۹ ص ۹۱ به شماره موتور ۰۰۰۳۵۳۶۳ و شماره شاسی ۱۴۱۲۲۷۶۵۲۹۸۰ بنام حامد بخشی کلاته کاظمی مفقود گردیده وفاقد اعتبار می باشد

برگ سبز وانت-مسقف سایپا ۱۵۱ مدل ۱۴۰۱ به شماره انتظامی ۵۶ ب ۳۱۶ ایران ۳۲ شماره موتور M۱۳/۶۵۶۱۷۳۱ شماره شاسی NAS۴۵۱۱۰۰۴۹۷۹۰۸ بنام محمدجواد عزیزیان مفقود وفاقد اعتبار می باشد.

آگهی مفقودی دانشنامه
بدین وسیله به اطلاع عموم میرساند دانشنامه های پزشکی عمومی و تخصص زنان و زایمان اینجانب دکتر شهره سعید فرزند عبدالرضا به تاریخ تولد ۱۳۵۵/۰۱/۲۶ متولد شهر کرمان ورودی سال ۱۳۷۳ دانشکده علوم پزشکی کرمان (دوره عمومی) و ورودی سال ۸۳ دانشکده علوم پزشکی مشهد (دوره تخصص) مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی دانشنامه
بدین وسیله به اطلاع عموم میرساند دانشنامه های پزشکی عمومی و تخصص قلب و عروق اینجانب دکتر مصطفی احمدی فرزند مهدی به تاریخ تولد ۱۳۵۴/۰۵/۱۰ متولد شهر سبزوار ورودی سال ۱۳۷۳ عمومی و سال ۱۳۸۳ تخصص دانشکده علوم پزشکی مشهد در رشته پزشکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو پژو آر دی
به شماره پلاک ۴۲ ایران ۶۳۱ و ۶۱
مدل ۱۳۷۸
به شماره موتور ۲۲۳۲۷۸۱۶۰۵۶
شماره شاسی ۷۸۷۱۶۳۵۴
به رنگ سبز روغنی به مالکیت سید محمد هاشمی بهابادی
به شماره ملی ۰۹۰۰۱۹۶۷۴۲
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.